صنعت استراتژیک تولید دارو چگونه اداره می‌شود؟

تمرکز بازار ۳۵ هزار میلیاردی دارو روی سود

صفحه ۸ را بخوانید

فرهیختگان

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران و واحدهای دانشگاهی ۳۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها ۲۰۰۰ تومان

شماره مسلسل ۴۱۷۴
دوشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۰
۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۳
۱۸ اکتبر ۲۰۲۱
شماره ۳۴۳۶

www.Fdn.i... 21 | vol.13 | No. 3436 | 16 Pages

به ازای هر ۱۰ هزار ایرانی فقط ۵/۹ پزشک متخصص وجود دارد

بحران پزشک متخصص؛ هم کمبود هم توزیع ناعادلانه

صفحه ۱۶ را بخوانید

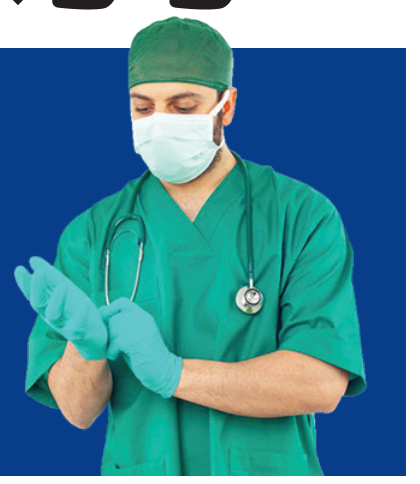

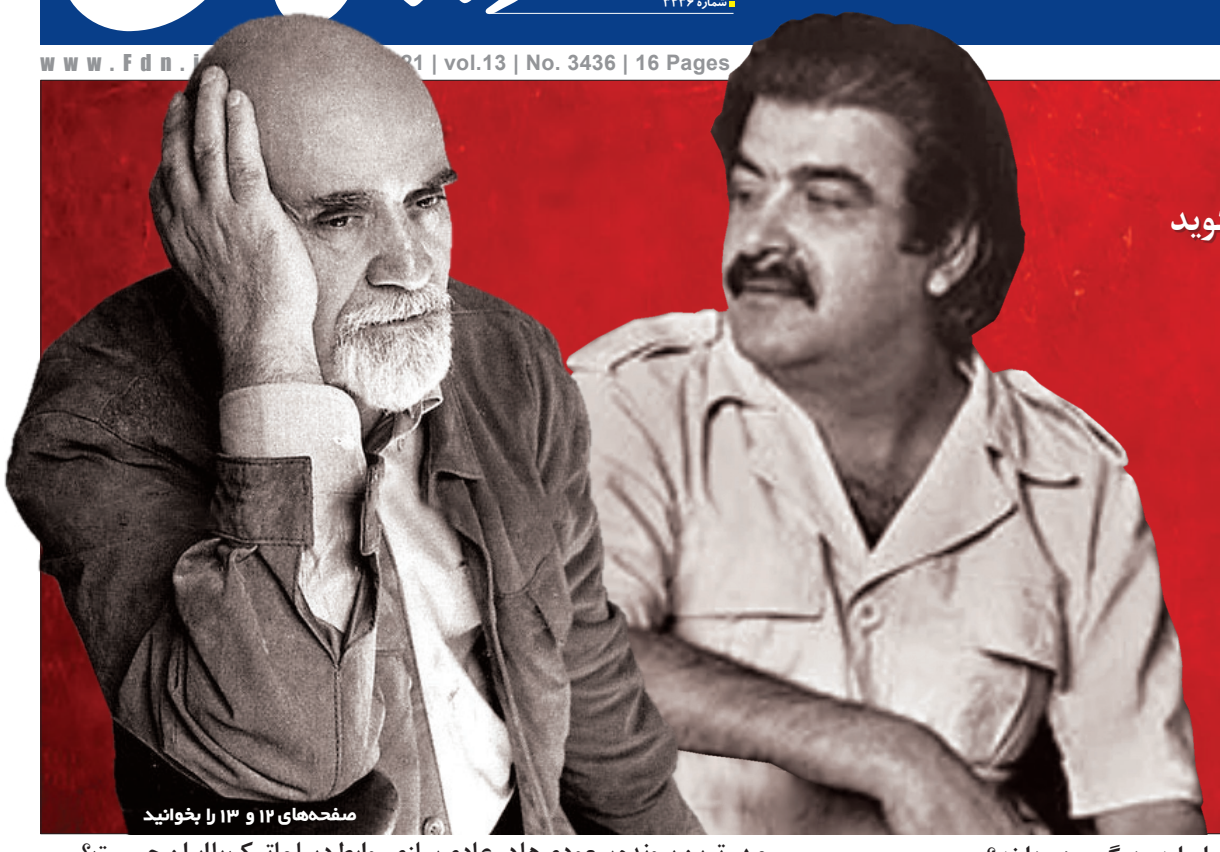

کتاب «نمایندگان امر، نمایندگان کلام» پژوهش مفصل درباره کانون نویسندگان ایران چه می‌گوید

کانون نویسندگان؛ فروپاشی از درون

صفحه‌های ۱۲ و ۱۳ را بخوانید

رئیس دانشگاه آزاد استان اصفهان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

تغییر ماموریت واحد مجلسی در راستای اجرای سند تحول

۴»

آیا اروپا و آمریکا برای مواجهه با ایران ایده دیگری هم دارند؟

پلن بی؛ لاف بزرگ غرب

۲»

مهم‌ترین پرونده سعودی‌ها در عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با ایران چیست؟

یمن؛ کلید احیای روابط تهران - ریاض

۷»

یادداشت

مروری بر ایرادهای فنی اقتصادی یادداشت عباس عبدی

چگونه با آمار دروغ بگوییم

امیرحسین طالقانی
روزنامه‌نگار

دوشنبه (نوزدهم مهرماه) بود که یک گزارش تحقیقی اقتصادی با عنوان «سه دهه اقتصاد ایران، از کجا به اینجا رسید؟!» به قلم عباس عبدی در روزنامه اعتماد منتشر شد. عبدی در این گزارش تلاش می‌کند با استخدام داده‌های اقتصادی، ادعای سیاسی مورد علاقه خود را به مخاطب القا کند: ادعای اینکه اصولگرایان بدترین عملکرد اقتصادی را داشته‌اند و اصلاح‌طلبان بهترین عملکرد را. گزارش مذکور دو فرض محوری دارد؛ نخست آنکه اصلاح‌طلبان را منحصر در دولت‌های هفتم و هشتم دانسته؛ گویا اصلاح‌طلبان هیچ نقشی در عملکرد ضعیف اقتصادی دولت اعتدال نداشتند. درحالی که علی‌رغم حضور جدی اصلاح‌طلبان در دولت اعتدال، ایشان همواره حامی رئیس‌جمهور پیشین بودند؛ مثلا محمدرضا خاتمی پیش از انتخابات سال ۱۳۹۶ صراحتا اعلام می‌کند که «ما تضمین روحانی هستیم.» دومین ایراد این گزارش نیز آن است که عنصر تحریم را از تحلیل‌ها و مقایسه دولت‌ها بیرون نکشیده است؛ درحالی که می‌توان استدلال کرد اگر دولت خاتمی نیز به لحاظ زمانی در دهه ۱۳۹۰ واقع شده بود، با تشدید تحریم‌های ظالمانه مواجه می‌شد. به هر حال بررسی این دو ایراد محوری، خود مجالی جداگانه می‌طلبد. در یادداشت حاضر اما تلاش شده ایرادات فنی اقتصادی تحلیل عبدی مورد واکاوی قرار گیرند.

تورم

در اینکه تورم دورقمی، ویژگی مشترک همه دولت‌هاست و معضل تورم جز در چند کشور انگشت‌شمار در بقیه کشورهای جهان حل شده است، شکی نیست. اما وقتی در مقام مقایسه دولت‌های مختلف قرار می‌گیریم، نتایج مهمی به دست می‌آید که اتفاقا عبدی نیز در یادداشتش به آنها اشاره کرده است. وی در این خصوص می‌نویسد: «اگر متوسط نرخ تورم سالانه را در هرکدام از ۸ سال این ۵ دوره حساب کنیم، کمترین آن در دوره خاتمی با حدود ۱۶ درصد، سپس احمدی‌نژاد ۱۸ درصد و بعد دوره موسوی ۲۰ درصد، روحانی ۲۲ درصد و هاشمی ۲۵ درصد است.» این نتایج در شرایطی حاصل شده‌اند که خود اصلاح‌طلبان بارها طرح مسکن مهر دولت احمدی‌نژاد را نقد کرده‌اند و آن را تورم‌زا خوانده‌اند. اکنون نیز طرح ساخت مسکن توسط دولت جدید را با همین استدلال تورم‌زا بودن نقد می‌کنند. بنابراین به‌فرض تورم‌زا بودن مسکن مهر (با توجه به این نکته که در دولت‌های نهم و دهم، ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار مسکن مهر تحویل مردم شد)، تورم این دوره تنها ۲ درصد بیش از زمان سیدمحمد خاتمی بود. بدیهی است که چون این مسکن‌ها به طبقات پایین درآمدی رسیده است و بار اجاره‌خانه را از روی دوش ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار خانواده برداشته است، به لحاظ اقتصادی برای طبقات پایین حتما به‌صرفه است. ضمنا خوب است آقای عبدی توضیح دهند، دولت اعتدال که مطلوب و مورد حمایت اصلاح‌طلبان بود، چطور بدون ورود جدی به ساخت مسکن و حتی با مزخرف خواندن مسکن مهر، میانگین تورم ۲۲ درصدی را ایجاد کرده است؟!

تولید و قدرت خرید

از دیگر ایرادات فنی اقتصادی گزارش مورد بحث آن است که در بخش تولید، نویسنده وقتی تولید ناخالص داخلی ایران و کشورهای همسایه (عربستان، ترکیه و امارات) را مقایسه می‌کند، اشراف ندارد که برای یک مقایسه صحیح باید از آمارهای تولید ناخالص داخلی براساس برابری قدرت خرید (Purchasing Power Parity) استفاده کرد. جالب آنکه عباس عبدی در بخش «فقر» گزارش تحلیلی از اقتصاددان بزرگ ایرانی -جواد صالحی اصفهانی- نام برده و محاسبات ایشان براساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار را مورد استفاده قرار می‌دهد ولی توجه ندارد که صالحی بارها و در مقالات متعدد تاکید کرده‌اند که مقایسه تولید و تولید سرانه کشورهای مختلف با نرخ ارزهای غیر از برابری قدرت خرید (ppp) نتایج اشتباهی خواهند داشت.

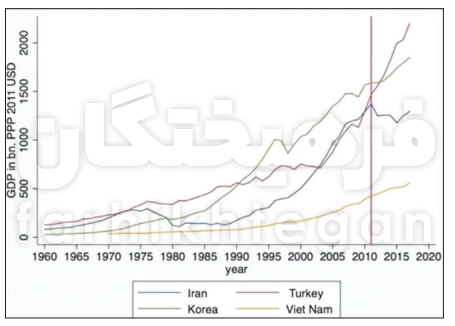

به‌طور مثال، نمودار فوق در یادداشت «More dire predictions of economic collapse in Iran from the Wall Street Journal» به قلم جواد صالحی اصفهانی که در وبلاگ‌شان (Tyrannyofnumbers) منتشر کرده‌اند، آمده است. این نمودار نشان می‌دهد برخلاف ادعای عباس عبدی، تولید اقتصادی ایران با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد از تولید اقتصادی ترکیه فاصله نگرفته است؛ بلکه تا پیش از سال ۲۰۱۱ (یعنی سال آغاز تشدید تحریم‌های ظالمانه) اتفاقا اقتصاد ایران پابه‌پای ترکیه در حال رشد بوده است. اگرچه باید توجه داشت که ترکیه اقتصادش غیرنفتی است و ایران نفتی. اما با این حال ترکیه نیز چون در منطقه کشورهای نفت‌خیز قرار دارد و صادراتش به کشورهای نفتی بالاست، سال‌های رونق نفتی منجر به رونق اقتصاد ترکیه نیز می‌شوند. به هر حال آنچه عیان است، آن است که نمودارهای اول، سوم و چهارم گزارش روزنامه اعتماد، به لحاظ فنی و اقتصادی قابل اعتنا نیستند و باید با نمودارهایی براساس ارز برابری قدرت خرید (ppp)، جابه‌جا شوند.

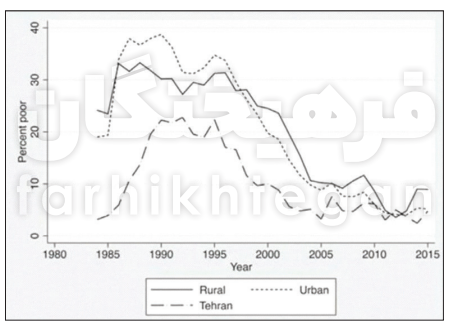

فقر و نابرابری

ایراد فنی دیگر در تحلیل‌های عبدی، در بخش «فقر» گزارش خودش را نشان داده است. در گزارش مورد بحث وقتی سخن به مساله فقر می‌رسد، می‌توان دو اشکال را وارد دانست: نخست آنکه تحلیل نمودار فقر برگرفته از محاسبات جواد صالحی اصفهانی، توسط عباس عبدی به سوگیری سیاسی آلوده شده و دقیق و قابل اتکا نیست. دوم آنکه نویسنده عملا شاخص نابرابری را سانسور می‌کند و در تحلیل‌هایش نمی‌آورد. در ادامه نمودار نرخ فقر به تفکیک منطقه (برابری قدرت خرید به قیمت ثابت سال ۲۰۱۱) براساس محاسبات جواد صالحی اصفهانی خواهد آمد. این نمودار نیز با دو تفاوت در گزارش عباس عبدی آمده است؛ یکی آنکه نمودار حاضر محاسبات تا سال ۲۰۱۵ (برابر با سال ۱۳۹۴ شمسی) را نشان می‌دهد ولی نمودار گزارش مذکور آمارها را تا سال ۲۰۱۹ (برابر با سال ۱۳۹۸ شمسی) دارد. تفاوت دوم نیز آن است که نمودار چاپ‌شده در روزنامه اعتماد به‌قدری کوچک است که مخاطب به‌سختی می‌تواند به ارقام مربوط به سال‌ها توجه کند! نتیجه این دو تفاوت آن شده که نویسنده آن گزارش بتواند ادعا کند کاهش نرخ فقر در دوره احمدی‌نژاد متوقف شد و حتی تا حدی افزایش هم یافت. این درحالی است که در نمودار فوق، روشن است که تا سال ۲۰۱۳ (برابر با سال ۱۳۹۲ شمسی و پایان دولت احمدی‌نژاد) نرخ فقر افزایش قابل ملاحظه‌ای نداشته و روند افزایشی از دولت اعتدال (که اصلاح‌طلبان تضمین آن بودند) آغاز شده است.

جالب آنکه نمودار مورد استفاده عباس عبدی در بخش فقر تحلیلش، از گزارش «ایران تحت تحریم: تاثیر تحریم‌ها بر رفاه خانوار» به قلم جواد صالحی اصفهانی اخذ شده است و صالحی در همان گزارش می‌نویسد: «[پس از تشدید تحریم‌ها] مناطق روستایی و کوچک‌تر، کمترین بهره را از حمایت‌های دولتی برده‌اند. این مناطق، فاصله جغرافیایی و سیاسی بیشتری از مراکز قدرت و خزانه ملی داشتند و به همین دلیل بهره کمتری از سیاست‌های محافظت اجتماعی دولت برده‌اند. این فاصله با به قدرت رسیدن دولت نئولیبرال رئیس‌جمهور حسن روحانی که جایگزین دولت پوپولیست محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۱۳ شد، بیشتر شده است.» در همین گزارش نیز، بررسی تغییرات درآمدی اقشار فقیر نشان می‌دهد رویکرد نئولیبرال دولت روحانی چه آسیبی به فقرا وارد کرد. جدول نیز برگرفته از محاسبات صالحی اصفهانی است.

ایشان با ارائه جدول فوق، می‌نویسد: «طی اولین موج از تحریم‌های ایالات‌متحده آمریکا در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۱ نرخ فقر کاهش یافت. بنابراین چه عاملی می‌تواند افزایش فقر را در دومین مرحله تحریم‌ها توضیح دهد؟ شکی نیست که طی اولین موج تحریم‌ها معرفی برنامه اعطای یارانه در زمان رئیس‌جمهوری احمدی‌نژاد عامل اصلی کاهش فقر بوده است.» صالحی اصفهانی در ادامه می‌نویسد: «مقایسه ثروت فقرا در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۱ و ۲۰۱۹-۲۰۱۸ هم تغییر سیاست از دولت احمدی‌نژاد به دولت نئولیبرال حسن روحانی و هم محدودیت‌های مالی شدیدتر در دوره دوم را منعکس می‌کند. درحالی که در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۱ پرداخت‌های انتقالی رسمی دوبرابر درآمد دستمزدی دریافت‌کنندگان پرداخت‌های رفاهی در پایین‌ترین پنجک توزیع درآمد بود، در سال ۲۰۱۹ ارزش این انتقالات تنها به ۷۰ درصد از درآمد دستمزدی آنها می‌رسید.»

با توضیحات فوق، روشن است که برداشت عبدی از نمودار صالحی اصفهانی صحیح نیست و وضعیت فقرا در دولت‌های نهم و دهم بهبود پیدا کرده است. بنابراین پرسشی که اصلاح‌طلبان باید به آن پاسخ دهند این است که چرا تضمین دولت نئولیبرال حسن روحانی شدند و بخش مهمی از کرسی‌های این دولت نئولیبرال را اخذ کردند؟! اساسا خود اصلاح‌طلبان در سوگیری‌های نئولیبرال دولت روحانی چه نقشی داشتند؟! آیا هیچ‌گاه این جهت‌گیری را نقد کردند؟ پرسش دیگری که عبدی باید به آن پاسخ دهد این است که چرا در تحلیل خود سخنی از شاخص ضریب جینی (که نشان‌دهنده تغییرات نابرابری درآمدی است) به میان نیاورد؟! آیا به این خاطر نبود که ضریب جینی در دولت سیدمحمد خاتمی بهبود چندانی نداشت و سپس در دولت‌های نهم و دهم از ۴۲ درصد به ۳۶ درصد کاهش یافت و سپس دوباره در دولت نئولیبرال حسن روحانی از ۳۶ درصد به بالای ۴۰ درصد افزایش یافت؟! در نمودارهای زیر، تغییرات نابرابری درآمدی در دولت -به تعبیر عبدی، اصولگرای- احمدی‌نژاد و همچنین دولت نئولیبرال حسن روحانی را که اصلاح‌طلبان تضمین آن بودند می‌بینیم.

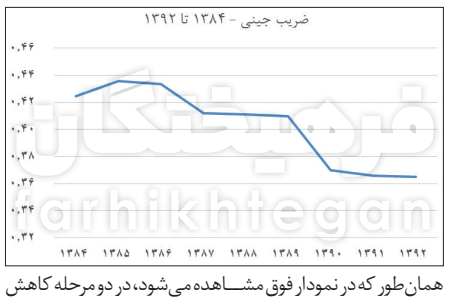

همان‌طور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود، در دو مرحله کاهش جدی در نابرابری داشتیم؛ یکی از سال ۱۳۸۶ به سال ۱۳۸۷ و دیگری از سال ۱۳۸۹ به ۱۳۹۰ که هدفمندی یارانه‌ها اجرا شد و نقش قابل توجهی در بهبود توزیع درآمد داشت.

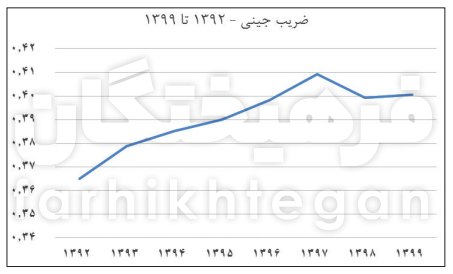

در نمودار فوق نیز تغییرات نابرابری در دولت اعتدال را می‌بینیم. عدم توجه به طبقات پایین درآمدی، کنار گذاشتن هدفمندی یارانه‌ها و ثابت نگه‌داشتن مبلغ ریالی یارانه (و البته آب رفتن ارزش دلاری و قدرت خرید آن) مهم‌ترین دلایل بازگشت اختلاف طبقاتی و از دست رفتن دستاورد دولت‌های نهم و دهم (با طرح‌های اقتصادی خوبی مانند مسکن مهر و هدفمندی یارانه‌ها) هستند. بنابراین واضح است که اطلاعات عبدی در گزارش روزنامه اعتماد، در حوزه فقر نیز غلط بوده و در حوزه نابرابری با مساله سانسور آمارها مواجه است.

چگونه با آمارها دروغ بگوییم؟!

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، دو محور مغالطاتی مهم دیگر نیز وجود دارد: یکی جداسازی و تباین‌نمایی دولت‌های سازندگی، اصلاحات و اعتدال است که نیازمند پژوهشی مستقل است تا روشن شود تا چه حد این دولت‌ها به لحاظ کارگزاران و همچنین خطوط کلی سیاست‌های مدنظر هم‌پوشانی داشته‌اند. همچنین موضوع دیگر آنکه تشدید تحریم‌ها در دهه ۱۳۹۰ بی‌ارتباط با انقلاب نفت و گاز شیل آمریکا، کاهش نیاز آمریکا به نفت غرب آسیا و همچنین منتفی شدن جایگاه ایران به‌عنوان تامین‌کننده امنیت واردات انرژی غرب (به‌صورت نانوشته) از سال ۱۳۹۰ به‌بعد نیست. با بررسی دقیق‌تر علل تحریم‌ها روشن می‌شود که مساله نه ایدئولوژیک است و نه سیاسی؛ بلکه اقتصادی است و باید به آن پاسخی اقتصادی نیز داد. همچنین باید توجه داشت که هر دولتی اگر از سال ۱۳۹۰ به‌بعد در راس بود، احتمالا با مشکل تشدید تحریم‌ها مواجه می‌شد. بنابراین مقایسه عالمانه آن است که اثر عامل تحریم را از متغیرهای کلان اقتصادی بیرون بکشیم و سپس عملکرد اقتصادی دولت‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم.

از این دو مساله که بگذریم، در این یادداشت توضیح دادیم که گزارش «سه دهه اقتصاد ایران، از کجا به اینجا رسید؟!» اگرچه تلاش کرده داده‌ها و نمودارهای اقتصادی را برای مقاصد سیاسی و حزبی به استخدام بگیرد، اما متاسفانه به‌دلیل عدم اشراف نگارنده به مبانی و شاخص‌های اقتصادی در موارد متعدد به خطا رفته است. گزارش مذکور واجد اطلاعات ناقص و غلط است و همچنین از سانسور داده‌های اقتصادی -به‌ویژه در مساله نابرابری- رنج می‌برد. بنابراین نتایج آن نیز قابل استفاده برای مخاطبان رسانه‌ها و افکار عمومی نیست. شاید برای مخاطبان یادداشت حاضر سوال باشد که «چطور می‌توان در برابر این خطاهای فاحش آماری واکسینه شد و فریب سوءاستفاده از آمارها و شاخص‌های اقتصادی را نخورد؟!» نگارنده این یادداشت، مطالعه کتاب «چگونه با آمارها دروغ بگوییم: کتابی به زبان ساده برای هر آن کس که «افکار عمومی» است» (ترجمه و تالیف حسین رهداری -انتشارات دنیای اقتصاد) را به مخاطبان محترم توصیه می‌کند.

منابع درآمد اقشار فقیر (دلار ایالات متحده به ازای هر فرد در هر ماه)

سال	کل درآمد	دستمزد	خوداشتغالی	سایر درآمدها	سایر پرداخت‌های انتقالی	یارانه‌های نقدی
۲۰۰۹	۱۸۲	۵۳	۲۹	۶۹	۳۲	موجود نیست
۲۰۱۰	۱۷۷	۵۳	۳۳	۶۰	۳۱	موجود نیست
۲۰۱۱	۲۶۴	۴۰	۲۴	۱۱۲	۲۴	۶۵
۲۰۱۲	۲۷۲	۳۶	۲۵	۱۱۸	۲۲	۷۲
۲۰۱۳	۲۴۹	۳۶	۲۴	۱۰۸	۲۱	۶۰
۲۰۱۴	۲۲۰	۴۰	۱۹	۹۶	۱۹	۴۶
۲۰۱۵	۲۲۸	۴۴	۲۲	۹۹	۲۲	۴۱
۲۰۱۶	۲۲۵	۴۵	۲۵	۹۵	۲۲	۳۸
۲۰۱۷	۲۳۸	۴۵	۲۸	۹۸	۲۷	۴۰
۲۰۱۸	۲۱۵	۴۳	۲۴	۸۵	۳۵	۲۸
۲۰۱۹	۲۰۰	۵۷	۳۴	۶۹	۲۰	۲۰

منبع: محاسبات مولف از داده‌های خرد پیمایش مخارج و درآمد خانواده‌ها